

بخش سوم از: عنوان

ضد چریک

و

جنگ رهایی بخش ملی

تما میت ارضی یک حق مطلق نیست و نمیتوان
به بهانه آن "ژنوساید"، و یا به سرکوب و
اختناق متوسل شد. در اینصورت این مردم
حق دارند که: برای دفاع از خود و آرمان "
تاریخی و حقیقی" شان، دست به اسلحه
ببرند.

از سر هنگ چیا

(کسیک جنگ اجتناب پذیری را در یک کشور علم میکند جنایتکار است. اما کسیکه جنگ اجتناب ناپذیری را در یک کشور علم نمیکند هم جنایتکار بشمار میآید). از خوزه مارتی "انقلابی کوبائی".

در بخش اول این بحث "در دنباله پیشگفتار" قبلا به تعاریف و ویژگیهای از جنگ چریکی - و ضد چریکی اشاره کردم. و بویژه، در قسمت عملیات مدنی "غیرنظامی" یاد آوری کردم که: عملیات مدنی در حقیقت تکمیل کننده سرویسهای رسمی که نحوه عمل آن: بمثابة موثرترین اسلحه مبارزه ضد شورش (نیروهای سرکوب) تلقی شده است.

بطور کلی - و قتیکه نظم عمومی بهم میخورد، سازمانهای امنیت و اطلاعات در حالیکه بتوسعه و گسترش همه آن عملیات مبارت میورزند، بسازماندهی منابع اطلاعاتی، به پخش اطلاعاتیه ها و نیز عکسهای از آنان "اشرار - آشوبگران" میپردازند، برای کسانیکه آنها را (زنده یا مرده) تسلیم کنند، جوایزیدر نظر ماگیرند و به کسانیکه سلاحهای خود را بزمین بگذارند، امکان میدهند و از مجازات معاف میدارند.

اکنون در این بخش "بخش سوم" سعی خواهد شد که به عملیات نظامی اشاره شود، به این امید که مفید و مورد توجه هنرجویان "جوان" این حرفه و فن قرار گیرد.

عملیات نظامی: عملیات نظامی بطور اساسی بوسیله افراد ویژه معروف به: (شکارچیان) کلاه سبزها، و ضد چریکهای حرفه ای اعمال میشود. اینان دارای روحیه خوب جنگی هستند، سربازان ورزیده - و عوامل مزدور

محلی ، درجه داران نخبه ، افسران برگزیده و از آنجمله . اینان دور های خاص آموزشی را بنام (**رنجرویا ویژه**) می بینند .

ارتش جوخه های عملیاتی خود را که در واقع دشوارترین وظایف نظامی - یعنی " ضد شورش " را بمورد اجراء درمیآوردند تحت عنوان " ضد چریک " ، این افراد از مزایای یک حقوق ویژه ، ترفیع درجه ، برای هر چریکی که دستگیرویا از صحنه خارج کنند ، برخوردارند .

عملیات نظامی شامل نکات زیر میباشند :

الف - تعیین محل و موضع کردن چیست ؟

هر فرد بیگانه ، در یک منطقه بحرانی ، بویژه ، در مناطق روستایی که حس کنجکاو را برانگیزد ، حضور یک گروه متشکل از سه نفر یا بیشتر ، میتواند مورد سوء ظن قرار گیرد . چریکها " گرپلاها " نیز میتوانند بوسیله مأمور - ان مخفی مستقر در دهات و جاسوسان داوطلب محلی لوبروند ، همینکه وجود واحد های (چریکی " پارتیزانی ") آشکار شد ، نیروهای سرکوب ، تدابیر امنیتی چریکها : سلاحها پشان ، تعداد آنها ، تحرک شانان . . . و غیره را مورد ارزیابی قرار میدهند - و برای اینکار میتوانند از طریقهای زیر عمل کنند : **1** - عمیق تر کردن رخنه در آنها **2** - انجام عملیات شناسایی و عکس برداری هوایی ، همزمان شناسایی - جستجوی برقراری تماس مستقیم از طریق حمله غافلگیرکننده به محل تجمع چریکها " پارتیزانها " . ولی قبلا از اینکه این مطلب را ادامه دهیم لازم است بطور خلاصه یاد آور شویم که : ارتش غیر از وسیله جاسوسان و خبرچینان خود ، از چه وسایل دیگری میتواند استفاده تا تعداد چریکها یا گرپلاها ئی که در یک جبهه مبارزه میکنند برآورد کند . . . برآوردی که غالباً دقیق و واقعیت وفق میدهد .

این وسائل عبارتند از : **1** - بوسیله تعداد نشانه ها و علامتهای بر جا گذاشته شده وسیله چریکها در عرض کوره راهها **2** - از طریق مشاهده مستقیم **3** - بوسیله مقدار وسائل و تجهیزات که برای برپا ساختن چادرها - و آتش هیزمها **4** - از طریق مقدار آذوقه کشف شده وسیله ضد چریک **5** - از طریق آزمایش تعداد و گنجایش سنگرها ی بدست آمده ، پس از یک کمین **6** - از طریق آزمایش تعداد و گنجایش سنگرهای بدست آمده پس از یک عملیات کمین **7** - از طریق برآورد مقدار مدفوع کشف شده در یک منطقه تجمع چریکها " گرپلاها " **8** - از طریق تعداد حیوانات ذبح شده - بوسیله چریکها " پیشمرگه ها " .

ب - تماس مستقیم چیست ؟

وقتیکه محل تجمع چریکها " پارتیزانها " مشخص شد و حضورش در یک منطقه شناخته گردید ، نیروهای ضد شورش یا ضد چریک ، با در نظر گرفتن تدابیر امنیتی به برقراری تماس مستقیم مبادرت میورزند ، سعی میکنند که : حمله به محل تجمع چریکها " گرپلاها " نه نحوی صورت گیرد که با اولین ساعات روز مقارن باشد .

در شرایط مطلوب ضد چریکها میتوانند یورشهای بی سروصدائی را بمورد اجراء درآوردند : (بی آنکه هلیکوپترها اثر حمله غافلگیرانه را بهم بزنند) ، و بدینوسیله خواهند توانست گروههای " چریکی یا پارتیزانی " را محاصره کنند . جوخه های متعدد مجهز به دستگاههای گیرنده - و فرستنده نقاط مرتفع اطراف را برای بستن راههای فرار ممکن اشغال میکنند ، در حالیکه واحد های دیگر ، مسئولیت " **جاده صاف کنی** " و شکار چریکها را بعهده میگیرند . ولی وقتیکه چریکها - یا پارتیزانها در حرکت و جنبش مداومند ، و برای محافظت از خود خواه در جنگلهای پوشیده - یا در کوهستانها ، مدام تغییر محل میدهند . . . دشمن معمولاً خود را ناچار می بیند که بجای یورش فوری ، به عملیات دسته ائی مرکب از : (**چهل یا شصت نفری ضد چریک**) قناعت ورزد ، وظیفه این دسته ها این خواهد بود که جای پاها - یا کوره راهها ئی را که چریکها یا گرپلاها بر جای گذاشته اند . . . اینقدر دنبال کنند تا تماس مستقیم برقرار گردد .

در اینحال موارد زیر میتوانند پیش آیند : 1 - نیروهای دشمن در یک تله یا کمین گرفتار می شوند ، 2 - گشتیها و نگهبانان چریکها ، حضور نیروهای دشمن را اعلام می کنند ، ولی چریکها یا پیشمرگه ها که مقدمات کمین را فراهم " پیش بینی " نکرده اند ، یا اینکه بخاطر جمع آوری تجهیزات یا وسائلی که در محل تجمع پراکنده است وقت خود را هدر داد اند . . . این فرصت را از دست میدهند - و در عوض با شتاب و دستپاچگی به عقب نشینی میپردازند ! ، 3 - در سبیده دم ، نیروهای ضد " چریک یا گریلا " که از روی جای پایا چریکها را دنبال کرده اند ، به حدود پانصد متری اوردوگاه موقتی آنها میرسند و در اینجا به دسته های کوچکی تقسیم میشوند . یک دسته ، اردوگاه را محاصره میکنند و دویا سه دسته دیگر در مقابل هر یک از راههای فرار ممکن در حال کمین باقی میمانند ، دسته دیگر ، بدستگیری یا گشتن نگهبانان و گشتی ها مشغول میشوند و بطور ناگهانی وبا سلاحهای خود کار " اتوماتیک " و نارنجک های دستی به اردوگاه چریکها " گریلاها " حمله می کنند .

در این حالت ، اگر چریکها موفق نشوند که ازم جدا شوند ، یا اینکه مرتکب اشتباه شده و بخواهند در حفظ مواضع و اردوگاهشان اصرار و سماجت بخرج دهند ، ثابت نگه داشته میشوند . . . و به ضد چریک هدف مشخص و فرصت حمله متمرکزی را بدشمن عرضه میکنند . این خطر محاصره ، در تمام مدت عقب نشینی . . . و حتی ساعتها بعد از آن وجود دارد ، بویژه ، در زمینهاییکه چریکها با آنها آشنائی ندارند . . . و در اطرافشان ارتفاعات و محوطه های وسیع و روباز وجود دارد ، در اینحال : به احتمال قوی راههای گریز آنها پیشا پیش بوسیله ضد چریک اشغال شده است . نیروهای ضد چریک ، که همچنان بحال کمین باقی مانده . . . و راههای فرار احتمالی را کنترل کرده بودند ، موفق میشوند که جنگ چریکی را در محل بحال ثابت نگهدارند ، و عملیات محاصره را به مورد اجراء در آورند . . . عملیاتیکه موفقیت آن برای ضد چریک : (بطوریکه در بالا گوشزد کرده ام) مستقیما بستگی دارد به : میزان تحرک چریکها - و آشنائی نا درست و ناکام آنها از موقعیت جغرافیایی منطقه .

در شبهای مهتابی ، در محلهای کم گیاه یا در زمینهای باز ، ضد چریک پس از بدست آوردن رد پای " چریکها " معمولاً تماس مستقیم را بدو شکل زیر برقرار میکند : 1 - راه پیمائی به قصد نزدیک شدن تا همسایگی اردوگاه چریکها یا پارتیزانها . . . و در اینجا ، ارتش اردوگاه خاص خود را برپا میکند ، 2 - راه پیمائی بقصد انجام عملیات نهائی ، برای محاصره و اشغال محل تجمع چریکها بین ساعت های (5 تا 7) صبح ، البته پس از اینکه خود را از شر گشتیها - و نیز نگهبانان چریکها خلاص کند .

پ - بستوه آوردن یا ذله کردن چیست؟

همینکه عملیات تعیین موضع و محل . . . و بعد تماس مستقیم بعمل آمد . . . محور تاکتیکی ، پایه و محور اساسی شیوه ضد شورش ، یعنی : بستون آوردن یا ذله کردن از طریق (حملات مکرر و مداوم) آغاز میشود .

و آن عبارت از : یک جاده صاف کنی " منظم و بی وقفه " که به یمن آن نیروهای ضد چریک ، موقعیت قبیل از تماس دائمی را فراهم میکنند . . . بی آنکه نیروهای " چریک یا پارتیزان " را یک لحظه راحت و درمان بگذارند . این شیوه تاکتیکی ، همواره به گروهی از نیروهای ضد چریکی مرکب از 40 تا 80 نفر و اگذار که موظف هستند چریکها را بستوه در آورند و با تعقیب معبر یا هر نشانه گذرگاهشان . . . لاینقطع و قدم به قدم آنها را دنبال کنند . **در اینگونه مواقع معمولاً از هلیکوپترها استفاده میشود .**

به موازات این عملیات : بستون آوردن و ذله کردن ، افراد مستقر در پاسگاههای اشباع یا نقطه عزیمت که اغلب بر روی ارتفاعات منطقه به پائیدن (دید بانی) نقاط و محورهای حساس منطقه مشغولند ، ضد چریک هم چنین عادت دارد که در کوره راهها ، در محلهاییکه چریکها یا گریلاها جای پایا نشانه ای باقی گذاشته اند ، کمین یا تکه هائی برپا کند .

هیچ زمینی ، چه با شیب تند و سنگلاخی - چه دارای گیاهان پر پشت و خاردار درمان نیست . . . آنها چنین میگویند : ((راهزنان ، اشرار مسلح . . . الخ)) .

درواقع نیروهای ضد چریک مانند " چریکها یا پارتیزانها " عمل میکنند ، بعلاوه آنها از یک حمایت لوچستیکی " تدارکاتی " عالی برخوردار هستند ، و برخلاف چریکها یا گریلاها از خستگیهای مداوم و تجدید قوا نکردن رنج نمی برند ، زیرا همینکه ضربه روحی ناشی از گرفتار شدن در کمین را تحمل کردند ، نیروهای تازه نفس جای آنها را اشغال میکنند ، البته بلائی را که به سر نیروهای قبلی آمده برای این نیروهای تازه نفس بازگو نمیکنند و این نیروهای سرحال و تازه نفس ، بلافاصله فعالیت نیروهای قبلی را دنبال میکنند .

استعمال و اجرای محور تاکتیکی نیروهای ضد چریک : ((موقعیت قبل از تماس دائمی - یا بستوه آوردن و ذله کردن از طریق حملات مکرر و مداوم که : وسیله ایست برای یک جاده صاف کنی بی وقفه و لا- یبقطع)) بطور اساسی هدفهای استراتژیکی زیر را دنبال میکند :

1 - آشنائی لحظه به لحظه در جهتی که نیروهای غیر منظم در پیش میگیرند ، 2 - اعلام خطر دادن بواحدها ئیکه از ارتش حمایت می کنند ، با اشغال دهات و دهکوره هائیکه در سر راه تقریبی و تخمینی چریکها قرار دارند ، تا مانع از آن شوند که : ((ماهی در آب ملت شنا کند)) . . . یعنی چریکها نتوانند برای خود آذوقه و خواربار تهیه کنند ، و یا به عضوگیری جدید بپردازند ، 3 - مانع از آن شوند که جبهه های مسلح بتوانند برای حفظ و امکان یک جنگ ممتد و دراز مدت ، به استقرار پایگاههای عملیاتی مورد نیاز مبادرت ورزند ، 4 - امکان هرگونه حمله و یورش را از آنها سلب کنند ، 5 - از هرگونه اوضاع و احوال یا اشتباه استفاده کنند تا چریکها را غافلگیر کرده و به محل تجمع آنها یورش برند ، 6 - چریکها یا گریلاها را بطرف محلها ئی سوق دهند که از قبل بوسیله نیروهای ضد چریک در حال کمین اشغال شده است ، و در نتیجه آنها را در این محل ثابت نگه دارند و محاصره شان کنند ، 7 - واحدهای چریکی یا پارتیزانی را به محلها ئی دور از زندگی : اجتماعی و سیاسی پرت کنند ، و به یمن این انزوا ، اثرات تبلیغات مسلحانه آنها را بحد اقل ممکن برسانند ، 8 - چریکها را وادار کنند که انرژی جسمانی خود را بطور دائم مصرف کنند ، بی آنکه فرصت رفع خستگی و تجدید قوا را داشته باشند ، و در نتیجه هدفشان گرسنه نگهداشتن ، از پای درآوردن ، کوفته کردن ، از بین بردن روحیه چریکها یا پیشمرگه ها . . . و بالاخره ، مجبور نمودنشان به رها کردن زندگی چریکی است .

از این لحظه به بعد است که ضد شورش مزینی را که بمثابهء میراث چریکها یا پارتیزانها تلقی میشود ، از آن خود میکنند . . . یعنی مزیت حربه ذله کردن و بستوه آوردن را ، و بعلاوه : محاصره استراتژیکی - و عمل اشباع را به آن اضافه میکنند . و قتیکه چریکها یا گریلاها مورد هدف ذله کردن و بستوه آوردن دائمی قرار دارند ، معنایش اینست که : حدودا جهت و گذرگاه آنها را می شناسد ، و برای اینکه جلوحرکت آنها را بگیرد ، در تک نقطهء کوره راه یا مسیر پیش بینی شده - بویژه ، در یک مکان مساعد ، آنها را مورد حمله قرار میدهد .

آرتش در یک کمین بدام میافتد ادا مه دارد .

لطفا ادامه این موضوع را یعنی " بخش چهارم " را در همینجا ردیابی و مطالعه فرمائید .

لطفا این بخش و بخشهای آینده آنرا بمنظور اطلاع و آگاهی پیشمرگه ها " گریلاها " چاپ و در بین آنان

توزیع فرمائید . متشکرم

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو - سوئید

